

بسمه تعالی

سبک زندگی خانوادگی با تأکید بر اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام و

مدرنیته

الهام قلی‌پور^۱

چکیده

سبک زندگی در صورت‌بندی ابتدایی را می‌توان مجموعه‌ای از شیوه‌های رفتاری یا انتخاب‌های الگومند تلقی کرد که افراد در صددند از طریق آنها تمایزات و تشابهات هویتی خویش را ابراز کنند. سبک زندگی خانوادگی در آیین اسلام همانند درختی است که ریشه‌ی آن، باورها و اندیشه‌ها و ساقه و شاخه‌هایش، ارکان و وظایف اعضای خانواده می‌باشد. از این رو، سبک زندگی خانوادگی دارای ابعاد زیادی است؛ پژوهش حاضر در صدد بررسی سبک زندگی خانوادگی از دیدگاه اسلام و مدرنیته می‌باشد. سؤال اصلی این است که نقاط اصلی تمایز میان آن دو کدام است؟ دستاورد اصلی این تحقیق این است که هفت تفاوت عمده بین آن دو، کشف شد؛ بعضی از آن تفاوت‌ها عبارت است از: سبک زندگی اسلامی، بر آزادی «خدا محور» و سبک زندگی مدرنیته، بر آزادی «انسان محور» مبتنی است؛ خانواده، در سبک زندگی اسلامی، برخلاف زندگی مدرنیته، جایگاه والایی دارد؛ ساختار خانواده اسلامی بر ازدواج «شرعی و قانونی»، «خانواده دوجنسیتی» و «خانواده تک‌شوهری» تأکید دارد؛ در حالیکه در سبک زندگی مدرنیته، خانواده، از ارزش چندانی برخوردار نیست و بشر در ساختار خانواده، آزادی کامل داشته و خانواده «هم‌بالینی»، خانواده «تک‌جنسیتی» و خانواده «چندشوهری» تجویز می‌گردد، بر اساس این تفاوت‌ها، تفاوت‌ها دیگری نیز شکل می‌گیرد، هدف اصلی این پژوهش تبیین مبانی ارزش شناختی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام و مدرنیته با روش توصیفی – تحلیلی است.

واژگان کلیدی: اخلاق جنسی، خانواده اسلامی، خانواده مدرن، سبک زندگی اسلامی،

مطالعات قرآنی.

مقدمه

در قرن هفتم میلادی، آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی و الهی، با نام «قرآن» بر بشر فرو فرستاده شد و اصول و بزرگراه‌های مهم‌ترین و جامع‌ترین سبک زندگی در همه‌ی حوزه‌های فردی، خانوادگی، ملی، بین‌المللی، محیط زیستی و ... در همه ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی، حقوقی، بهداشتی، رفاهی، تفریحی و ... را برای بشریت، عرضه نموده است.

از حدود قرن پانزدهم میلادی به بعد، نوعی از سبک زندگی در جوامع غربی، سامان گرفت که برگرفته از جهان‌بینی و جریان مدرنیته است و به جهت ترویج گسترده‌ی آن، در حال سرایت به همه‌ی جهان است، از آنجا که ماهیت و سرشت این نوع از سبک زندگی، به طور کامل، سکولار، لیبرال و اومانیسم است، با سبک زندگی اسلامی، در سطوح مختلف، تفاوت‌های عمده‌ای دارد؛ بر این اساس، می‌توان سبک زندگی اسلامی را بدین گونه تعریف کرد: «شیوه‌هایی از زندگی است که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در زندگی فردی و اجتماعی برای ایجاد ارتباط با محیط و جامعه، پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به کار می‌گیرد. طبق این تعریف، سبک زندگی، و سبک زندگی مصرف‌های مادی یا فرهنگی نیست، چرا که زندگی عناصر غیر از مصرف را نیز در بر دارد.

دین اسلام، گزینه‌ی جنسی را به عنوان امری ناخوشایند، پلید یا زشت تلقی نمی‌کند بلکه آن را به عنوان یکی از نیازهای ضروری و اساسی انسان ملاحظه می‌کند که باید به طور شایسته و مشروع ارضاء شود، اما در بعضی آیین‌ها علاقه‌ی جنسی را ذاتاً پلید و آمیزش جنسی را - ولو با همسر شرعی و قانونی - موجب تباهی و سقوط می‌دانند؛ با توجه به این امر، دین اسلام تلاش کرده است با به رسمیت شناختن گزینه‌ی جنسی؛ و مبتنی کردن آموزه‌های اخلاق جنسی بر روح فطری و انسانی انسان، به این گزینه به نحوی معتدل و سروسامان ببخشد که نه آن را حذف و محو کند و نه آزاد بگذارد و به تحریک آن دامن بزند.

۱. سبک زندگی خانوادگی از دیدگاه اسلام و مدرنیته

تمایز میان «سبک زندگی» و «سبک زندگی مدرنیته» با نوع رویکرد آن دو، نسبت به «آزادی انسان»، معلوم می‌شود. خانواده از دیدگاه اسلام برخلاف مدرنیته، جایگاه ارزشی رفیعی

دارد؛ با توجه به کثرت تفاوت‌ها، تنها به بعضی از تفاوت دیدگاه‌ها میان اسلام و مدرنیته در حیطه خانواده به صورت مستدل و مستند بررسی می‌شود.

۱-۱. نوع و مقدار آزادی در سبک زندگی خانوادگی، وجه تمایز اصلی میان اسلام

و مدرنیته

مهم‌ترین و اساسی‌ترین وجه تمایز میان سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی مدرنیته، در حوزه خانواده، در این است که در سبک زندگی برخاسته از مدرنیته، بر آزادی کامل از هر جهت، توصیه می‌شود، در حالیکه در سبک زندگی برآمده از قرآن کریم و اسلام، بر آزادی در چهارچوب شرع و قانون تأکید می‌شود.

در مدرنیته، انسان برای نخستین بار در درون، در مرکزی‌ترین عنصر هستی‌اش، یعنی ذهن، آزاد است، به آن معنا که در زیست خودش، به خود تکیه می‌کند، نه بر قوای غیرخودش، همچون اوهام و اسطوره؛ این دستاورد ریشه‌ای مدرنیته است و درس اساسی «گئورک ویلهلم فریدریش هنگل» در بررسی تاریخی نیز همین است. بیشتر جامعه‌شناسان در غرب، از این نظریه «هنگل» تأثیر پذیرفتند که می‌گفت: «جوامع، مراحل گوناگونی را پشت سر می‌گذارند تا از نظام قبیله‌ای به بردگی و از بردگی، به دین و از دین به لیبرالیسم (آزادی) می‌رسند.^۱

به گفته ی مارتین هایدگر عصر مدرنیته بااین واقعیت که انسان مرکز و میزان همه ی هستی‌ها است مشخص است.^۲ انسان دوران رنسانس، به حیات اخروی خویش نمی‌اندیشد و به ماهیت اجتماعی تاریخی خود باز می‌گردد. بنابراین، نخستین اندیشه اش، این است که به عنوان عامل تاریخ، نتیجه خود مختاری و استقلال عمل بدست ادمی و تبدیل شدن وی به عامل تاریخ، نتیجه ان است که انسان، از یوغ بندگی که جهان بینی قرون وسطی برگردن اونهاده بود، آزاد می‌شود و این ازادگی رادرپناه حاکمیت قانون حفظ می‌کند^۳، زوزف ارنست رنان، می‌گفت که مدرنیته، حد و حدود ندارد و در ان، همه چیز، مباح است.^۴ در مقابل، دیدگاه انسان‌شناختی قرآن و اسلام این است که: انسان به طور ذاتی – می‌خواهد جلوی خودش و راه خودش را باز نماید

^۱ کردستانی، فمینیسم، ص ۹۹

^۲ صاحب جمعی، وداع باتجدد، ص ۲۴

^۳ سجادی هویت دینی و آموزه های چالش برانگیز معاصر، ص ۳۴

^۴ داوری اردکانی، دین و تجدد، ص ۳۴

«بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجَرَهُ أُمَامَةً»^۱. این بدان معنا است که طبیعت انسان، این گونه است که به دنبال فرار از مقررات، قوانین و قیود است، در وجود انسان چیزی به نام «نفس» است که به لحاظ رشدیافتگی، چند مرحله «اماره»، «لوامه»، «ملهمة» یا «مطمئنه» ممکن است داشته باشد، آنچه به صورت ابتدایی در همه افراد وجود دارد، «نفس اماره» است؛ لکن افراد باید به اختیار خود و با تلاش بسیار، آن را به مراحل بعدی رشد دهند، حضرت یوسف علیه السلام می فرماید: من از شر نفس خودم به خدا پناه می برم، «وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲.

آزادی انسان، مطلق نیست، بلکه محدودیت های دارد؛ آن محدودیت ها از جانب خود انسان وضع نمی شود که گفته شود «آزادی هر فرد محدود به حق آزادی دیگران است»؛ بلکه خالق پروردگار انسان است که «آزادی و حدود آن» را بیان می کند. از دیدگاه قرآن و اسلام، آزادی انسان و حدود آن، از طریق مبانی ای مانند «عقل»، «اختیار»، «عبودیت در مقابل پروردگار»، «اتمام حجت و معلوم شدن مطالب» و ... معلوم و تعریف می شود. این نکته در اساسی و ریشه ای ترین مسائل مانند پذیرش دین و مبدأ و معاد و ... و در مسائل زندگی روزمره، از جمله خانواده نیز وجود دارد. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا»^۳.

۱-۲. ارزش بالای جایگاه خانواده در سبک زندگی اسلامی، برخلاف مدرنیته

ارزش و اهمیت جایگاه خانواده به میزانی است که در قرآن کریم از جمله آیات و نشانه های الهی شمرده شده است. خداوند یکی از نشانه های خود را این می داند که از جنس انسان ها، همسرانی را آفریده تا به سوی آنان آرامش بگیرند و میان آنان، دوستی و مهربانی قرار داده است، «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۴.

^۱ قیامت: ۵

^۲ یوسف: ۵۳

^۳ بقره: ۲۵۶

^۴ روم: ۲۱

دین اسلام، به عنوان آخرین دین الهی، آداب ویژه‌ای برای زندگی خانوادگی وضع کرده و بسیاری از هنجارهای مربوط به ازدواج و خانواده را در بخش عمده‌ای از جهان تغییر داده است. پیامبر اسلام «ص» و اولیای دین علیهم‌السلام به مسائل خانوادگی توجه داشته‌اند. قرآن و روایات متون اصلی دین اسلام را تشکیل می‌دهند و قرآن و روایات پر است از مطالب مرتبط با خانواده، دانشمندان مسلمان از صدر اسلام تاکنون (برای نمونه، ابن سینا، غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی، فیض کاشانی، علامه طباطبائی، شهید مطهری و ...) نیز مباحث تفصیلی راجع به خانواده داشته‌اند.^۱

دیدگاه‌های برخی از صاحب‌نظران مدرنیته، شاهد بر کم‌ارزش بودن جایگاه خانواده در سبک زندگی مدرنیته است. افرادی همچون: «جان استورات میل» همسر دوم او «هریت تبلورمیل»، «سارا گریمکه» و «فرانسیس رایت»، در قرن ۱۹ میلادی، از معروف‌ترین طرفداران نظریه تعمیم حقوق فردی اومانیستی به زنان و نخستین رهبران فمینیسم لیبرالی بودند. برای فمینیست‌های لیبرال، ایده‌آل آن بود که هر فرد، هر نوع سبک زندگی را که می‌خواهد برای خود برگزیند و دیگران نیز گزینش او را بپذیرند. این گروه بر این باور هستند که سرشت زنانه و مردانه به طور کامل، یکسان است و تنها انسان وجود دارد، نه جنسیت. از این رو، مخالف پذیرش نقش‌های متفاوت و از پیش تعیین‌شده برای مذکر و مؤنث در خانواده هستند و معتقدند که در روابط زناشویی، شادکامی و لذت خودمختورانه زن و شوهر، اصل است، نه تشکیل خانواده و تربیت فرزند. «فریدریش انگلس» و «کارل هارینریش مارکس» و دیگر نظریه‌پردازان فمینیست‌های مارکسیستی، حذف خانواده به صورت کوچک‌ترین واحد اقتصادی جامعه را مطرح می‌کنند و ایجاد مؤسسات اشتراکی را پیشنهاد می‌کنند که در آن؛ مجموعه کارهای خانه و نگهداری از کودکان، از وظایف اجتماعی مردان و زنان به حساب می‌آید.^۲

۱-۳. تأکید اسلام بر خانواده مبتنی بر «ازدواج» در برابر تجویز خانواده

«هم‌بالینی» در مدرنیته

در نگاه قرآن کریم و اسلام، باید تشکیل خانواده، تنها به وسیله ازدواج شرعی و با اجرای صیغه عقد در میان مرد و زن، انجام شود. خداوند به کسانی که وسیله زناشویی نمی‌یابند،

^۱ سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۵

^۲ موسوی، تاریخچه مختصر تکوین نظریه‌های فمینیستی، ص ۱۵

نسبت به شوهر خود وفادار بماند؛ فعلاً با وسایل موجود چنین ضرورتی در کار نیست. علیهذا در اینجا درباره‌ی دو قسمت باید تحقیق شود: یکی اینکه آزادی را جز آزادی دیگران و لزوم رعایت آنها نمی‌تواند محدود کند. دیگر اینکه روابط جنسی از ناحیه‌ی اطمینان پدر و فرزندی با اجتماع و زندگی عمومی و حقوق اجتماعی ارتباط ندارد. برخلاف تصور بسیاری از فلاسفه‌ی غرب آن چیزی که مبنا و اساس حق آزادی و لزوم رعایت و احترام آن می‌گردد و میل و هوا و اراده‌ی فرد نیست، بلکه استعدادی است که آفرینش برای سیر مدارج ترقی و تکامل به وی داده شده است. اراده‌ی بشر تا آنجا محترم است که با استعدادهای عالی و مقدسی که در نهاد بشر است هماهنگ باشد و او را در مسیر ترقی و تعالی بکشانند، اما آنجا که بشر را به سوی فنا و نیستی سوق می‌دهد و استعدادهای نهانی را به هدر می‌دهد احترامی نمی‌تواند داشته باشد.

این قسمت مربوط به این است که ازدواج و تشکیل اجتماع خانوادگی تا چه حد جنبه‌ی فردی و خصوصی دارد و تا چه حد جنبه‌ی عمومی و اجتماعی. بدون شک در ازدواج تمتع شخصی و مسرت فردی وجود دارد؛ انگیزه‌ی افراد در انتخاب همسر بهره‌مند شدن از مسرت و لذت بردن بیشتر زندگی است. اکنون باید ببینیم آیا از آن نظر که دو فرد به نام زن و شوهر می‌خواهند زندگی مشترک و مقرون به خوشی و مسرتی تشکیل دهند و از شیرینی‌های زندگی بهره‌مند گردند، بهتر و عاقلانه‌تر این است که کانون خانوادگی را کانون خوشی‌ها و کامیابی‌های جنسی قرار دهند و حداکثر مساعی خود را برای لذت‌بخش نمودن این کانون صرف کنند و اما اجتماع بیرون (اجتماع بزرگ) محیط کار و فعالیت و برخوردهای دیگر باشد، یا بهتر این است که لذایذ و کامیابی‌های جنسی از محیط خانوادگی به اجتماع بزرگ کشیده شود، کوچه و خیابان و مغازه‌ها و محیط‌های اداری و باشگاه‌ها و تفریح‌گاه‌های عمومی همه جا آماده‌ی انواع کامیابی‌های جنسی نظری و لمسی و غیره بوده باشد؟^۱

اسلام طریق اول را توصیه کرده است. اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط خانوادگی آمادگی کامل برای کامیابی زن و شوهر از یکدیگر داشته باشد. زن یا مردی که از این نظر کوتاهی کند، مورد نکوهش صریح اسلام قرار گرفته است. اسلام اصرار فراوانی به خرج داده که محیط اجتماع بزرگ محیط کار و عمل و فعالیت بوده و از هر نوع کامیابی جنسی در آن محیط خودداری شود. فلسفه‌ی تحریم نظر بازی و تمتعات جنسی از غیر همسر قانونی، و هم فلسفه‌ی حرمت خودآرایی و تبرج زن برای بیگانه همین است. کشورهای غربی که ما اکنون کورکورانه از آنها

^۱ همان، ص ۵۰-۴۵

پیروی می‌کنیم راه دوم را انتخاب کرده‌اند. کشورهای غربی در انتقال دادن کامیابی‌های جنسی از کانون خانوادگی به محیط اجتماعی بیداد کرده‌اند و جریمه‌اش را هم می‌دهند؛ فریاد متفکرانشان بلند است. آنها وقتی که می‌بیند برخی کشورهای کمونیستی جلوی این کارها را گرفته و مانع هدر دادن نیروهای جوانان در اجتماع شده‌اند، به چشم غبطه به آنها می‌نگرند.^۱

^۱ همان، ص ۵۲-۵۱

نتیجه‌گیری

خانواده کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که هر شخصی به طور طبیعی در زندگی خودش با آن مواجه است، هم اسلام و هم مدرنیته، برای سبک زندگی خانوادگی، برنامه‌ها و مؤلفه‌هایی را مطرح کرده‌اند. اگر چه در ضرورت تسخیر طبیعت به نفع انسان، اتفاق نظر دارند، اما در اصول و برنامه‌های متعددی نیز با هم اختلاف نظر دارند؛ به بعضی از آن موارد در این پژوهش پرداخته شد: ۱. سبک زندگی اسلامی، بر آزادی «خدامحور» و سبک زندگی مدرنیته، بر آزادی «انسان‌محور» مبتنی است؛ ۲. خانواده، در سبک زندگی اسلامی، برخلاف سبک زندگی مدرنیته، به لحاظ ارزشی، جایگاه والایی دارد؛ ۳. ساختار خانواده اسلامی بر ازدواج «شرعی و قانونی» است، اما مدرنیته آن را بسیار مختصر کرده است و هم‌بالینی را نیز مجاز می‌داند؛ ۴. خانواده در سبک زندگی اسلامی «دوجنسیتی» است، اما مدرنیته، «یک‌جنسیتی» را نیز مجاز شمرده است؛ ۵. خانواده اسلامی «تک‌شوهری» است، اما مدرنیته «چندشوهری» را نیز رسمیت بخشیده است. بر این اساس، با این تفاوت‌هایی که بررسی شد، معلوم می‌شود این دو سبک زندگی خانوادگی، به هیچ وجه قابلیت جمع ندارند، تفاوت‌ها بسیار ماهوی و عمیق است.

اسلام برخلاف اخلاق جنسی کهن که غریزه جنسی را پلید می‌داند، بر عدم پلیدی غریزه جنسی و ارضای مشروع آن در چارچوب خانواده تأکید می‌کند. همچنین برخلاف رویکرد لیبرال است که مبتنی بر مبانی اومانیزستی و سکولار به انسان، قوانین اجتماعی و اخلاق جنسی است که نوعاً به دلیل عدم وجود یک نگاه جامع‌نگر از منظر دین دچار خلل است. اخلاق جنسی اسلامی اخلاقی صرفاً مبتنی بر تمتع و کام‌گیری جنسی نیست؛ زیرا از نگاه اسلام، نیاز جنسی صرفاً نیاز فیزیولوژیکی نیست، بلکه نیازی عاطفی و روانی است. بر این اساس چیزی که مایه سکون بین زوجین است همان مودت و رحمت الهی است که جاذبه‌ای معنوی میان زن و مرد ایجاد می‌کند و رابطه‌ی جنسی را الهی‌تر و انسانی‌تر می‌کند.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم

الف) کتب فارسی

۱. بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودکان، جلد ۱، بی جا: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ هـ ش
۲. جوادآملی، عبدالله، فطرت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹ هـ ش
۳. راسل، برتراند، زناشویی و اخلاق، ترجمه مهد انتشار، تهران: انتشارات کاویان، ۱۳۵۲ هـ ش
۴. سالاری فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ هـ ش
۵. سجادی، سید مهدی، هویت دینی و آموزه های چالش برانگیز معاصر، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۱ هـ ش
۶. صاحب جمعی، حمید، وداع باتجدد، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۵ هـ ش
۷. قاسمی، حمید محمد، اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ هـ ش
۸. کردستانی، مثنی امین، فمینیسم، ترجمه عبدالظاهر سلطانی، مشهد: انتشارات حافظ ابرو، ۱۳۸۸ هـ ش
۹. کرکندال، لستر، آموزش جنسی اطفال، ترجمه مهدی جلالی، تهران: فرانکلین، ۱۳۳۱ هـ ش
۱۰. کوچتکف، و، دولاپیک، و، م، روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، ترجمه محمد تقی زاده، تهران: بنیاد، ۱۳۵۱ هـ ش
۱۱. گاردنر، ویلیام، فروپاشی خانواده در غرب، ترجمه وتلخیص پریسا پور علمداری، ضمن کتاب وای وای اروپا امریکا، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ هـ ش
۱۲. گاردنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، برگردان وتلخیص معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۹ هـ ش

۱۳. موسوی، معصومه، تاریخچه مختصر تکوین نظریه‌های فمینیستی، ضمن کتاب «یولتن مرجع فمینیسم»، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۸ هـ ش
۱۴. موسوی لاری، سیدمجتبی، اسلام و سیمای تمدن غرب، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱ هـ ش
۱۵. مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب العلمیه ۱۳۷۰ هـ ش
۱۶. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران: صدرا، ۱۳۷۴ هـ ش
۱۷. _____، مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ هـ ش
۱۸. ویلسون، جیمزکیو، تأثیر روشنفکری غرب بر ازدواج و خانواده، ترجمه معصومه محمدی و پروین قائمی، قم: دفتر نشر معارف، ویراست دوم، ۱۳۸۶ هـ ش
۱۹. ویلفورد، ریک، فمینیسم، ضمن یولتین مرجع فمینیسم، تهران: انتشارات الهدی، ۱۳۸۹ هـ ش

(ب) کتب عربی

۲۰. طوسی، محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیا التراث العربی، ۱۹۹۱ م

(ج) مقالات

۲۱. حسینی، ابراهیم، «فمینیسم علیه زنان»، مجله کتاب نقد، ش ۱۷، ۱۳۷۹ هـ ش
۲۲. کارد، کلودیا، «اخلاق فمینیستی»، ترجمه زهرا جلالی، مجله‌ی حورا، ش ۶، ۱۳۸۳ هـ ش
۲۳. محمدی، محمدعلی، «نقد رویکردهای فمینیستی به خانواده»، ضمن کتاب «فمینیسم و خانواده (مجموعه مقالات)»، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۸۶ هـ ش.
۲۴. داوری اردکانی، رضا، دین و تجدد، مجله نامه فرهنگ، ش ۲۱، ۱۳۷۰ هـ ش